تاریخ عمل اصحاب به روایات عدد دربیان سیدبن طاووس

بعد میفرمایند:

قال السيد بن طاوس- رحمه الله- في كتاب القبال ص ۵: و اعلم أن اختلاف أصحابنا في شهر رمضان هل يمكن أن يكون تسعة و عشرين يوما على اليقين أو أنه ثلاثون لا ينقص أبد الآبدين فانهم كانوا قبل الآن مختلفين و أما الآن فلم أجد ممن شاهدته أو سمعت به في زماننا و إن كنت ما رأيته أنهم يذهبون إلى أن شهر رمضان لا يصح عليه النقصان بل هو كسائر الشهور في سائر الازمان. و لكنني أذكر بعض ما عرفته مما كان جماعة من علماء أصحابنا معتقدين له و عاملين عليه من أن شهر رمضان لا ينقص أبدا عن الثلاثين يوما فمن ذلك ما حكاه شيخنا المفيد محمد بن محمد بن النعمان في كتاب لمح البرهان فقال: عقيب الطعن على من ادعى حدوث هذا القول و قلة القائلين به ما هذا لفظه المفيد مما يدل على كذبه و عظم بهته أن فقهاء عصرنا هذا و هو سنة ثلاث و ستين و ثلاث مائة و رواته و فضلاؤه و إن كانوا أقل عددا منهم في كل عصر مجموعون عليه و يتدينون به و يفتون بصحته و داعون إلى صوابه كسيدنا و شيخنا الشريف الزكي أبي محمد الحسيني ادام الله عزه و شيخنا الثقة أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه أيده الله و شيخنا الفقيه «بقية الحاشية في الصفحة الآتية» **[1]**

«قال السيد بن طاوس- رحمه الله- في كتاب القبال ص 5: و اعلم أن اختلاف أصحابنا في شهر رمضان هل يمكن أن يكون تسعة و عشرين يوما على اليقين أو أنه ثلاثون لا ينقص أبد الآبدين فانهم كانوا قبل الآن مختلفين و أما الآن فلم أجد ممن شاهدته أو سمعت به في زماننا»؛ سید میفرمایند قبل از زمان ما بین علماء اختلافی بوده اما در زمان ما من احدی را نمیشناسم که مخالفت کرده باشد.

«و لكنني أذكر بعض ما عرفته»؛ ببینید اگر این حرف سید نبود ما خیلی از چیزها را ندانستیم. از جانب سید بن طاووس واقعاً تراثی است. برای اینکه ما بدانیم شیخ مفید چه کار کردهاند.

شیخ مفید سه کتاب دارند. اولین کتابشان «لمح البرهان» است. در اینکه یکی از مشایخ خودشان را در کنند که گفته رؤیت کفایت میکند و ماه مبارک بیست و نه روز میشود. لمح البرهان را در در او نوشته اند. همین که گفته اند را در اینجا میگویند. مفید فرمودهاند: **«مما يدل على كذبه و عظم بهته أن فقهاء عصرنا هذا و هو سنة ثلاث و ستين و ثلاث مائة و رواته و فضلاؤه و إن كانوا أقل عددا منهم في كل عصر مجموعون عليه و يتدينون به و يفتون بصحته و داعون إلى صوابه كسيدنا و شيخنا الشريف الزكي أبي محمد الحسيني ادام الله عزه».** سید میگویند این کتاب شیخ مفید است. میگویند «مجموع».

دیروز من عبارت ایشان را خواندم که درست برعکسش فرموده بودند. فرمودند مشهور و علماء همه مخالف این هستند. این چه میشود؟ کتاب لمح دست ما نیست ولی دست خود سید بوده. خود سید

این کتاب را داشته‌اند. بلواسطه از آن نقل می‌کنند. دو جا؛ هم در اقبال و هم در فلاح السائل هم از آن نقل کرده‌اند. معلوم می‌شود که این رساله مفید در دست ایشان بوده.

بعداً خود مفید در کتاب «مصباح النور فی علامات أوائل الشهور» از این عدول کرده‌اند. بعد هم در رساله جواباتِ اهل الموصل خلاصه مصباح النور را اشاره کرده‌اند که نظرشان برگشته بود. ولی چیزی که عجیب است و آدم را به فکر او می‌دارد و باید روی آن تأمل کنیم، این است: فعلاً در کتاب مختصر ایشان خودشان هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند که من قبلاً نظرم این بوده. این آدم را به شک او می‌دارد که شاید «لمح» نزد سید بوده و انتسابش مورد خدشه باشد. چطور سید مطمئن بودند؟ ولی عباراتی که دارند ظهور در این دارد که برای خود شیخ مفید بوده و سید هم با آن تبحری که دارند مطمئن بودند. مثلاً کراجکی مخالف بودند و بعداً موافق شدند. خودشان اشاره کرده‌اند. اما آیا در عبارات خود شیخ مفید هست که من قبلاً موافق بوده ای نه؟ نمی‌دانم. عبارتی از شیخ مفید پیدا کنیم که خودشان می‌فرمایند من قبلاً نظرم آن بود. **«و وجدتُ شیخنا المفید قد رجع عن کتاب لمح البرهان، و ذکر أنّه قد صنّف کتاباً سمّاه مصباح النور».**

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 21 آوریل 2026 14:03:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 14:06:14 توسط ... .